

ارزیابی تاثیر فقر مطلق و نسبی بر نابرابری شادی در ایران

یونس نادمی*، سید پرویز جلیلی کامجو**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۶

چکیده

این پژوهش مبتنی بر فلسفه لذت و رنج بنتام، لذت را برابر شادی و رنج را برابر با فقر در نظر گرفته است و در پی ارزیابی رنج ناشی از فقر بر لذت ناشی از برابری شادی است. فقر نسبی و مطلق می‌تواند منجر به نابرابری شادی گردد؛ به طوری که حرکت خط فقر نسبی به سمت دهک‌های بالای درآمدی منجر به شکاف شدیدتر شادی در بین دهک‌های فوق خواهد شد. به این ترتیب، این پژوهش با استفاده از روش مارکوف سوئیچینگ، در دوره ۱۳۶۴-۱۳۹۱ به ارزیابی تاثیر فقر مطلق بر نابرابری شادی و در دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۱ به ارزیابی تاثیر فقر نسبی بر نابرابری شادی در اقتصاد ایران پرداخته است. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش نشان داد که فقر مطلق و نسبی تاثیر مثبت و معنادار بر نابرابری شادی در جامعه ایران داشته است.

طبقه‌بندی JEL: Z13, D63, I13

واژگان کلیدی: فلسفه لذت و رنج بنتام، نابرابری شادی، فقر مطلق، فقر نسبی.

* استادیار اقتصاد دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

Younesnademi@abru.ac.ir

Parviz.jalili@abru.ac.ir

** استادیار اقتصاد دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره):

۱. مقدمه

فعالیت اقتصادی هدف نهایی بشر نیست؛ بلکه ابزاری است برای زندگی شاد و سعادتمند (ابونوری و اسکندری، ۱۳۹۵). شادی بنیادی‌ترین مفهوم در روانشناسی مثبت‌گرا است (جوکار، ۱۳۸۶)؛ در مقابل، احساس فقر دارای بیشترین هیجان‌های منفی است. شادی مفهومی انتزاعی و مبتنی بر ترجیحات بیان شده است تا عینی و مبتنی بر ترجیحات آشکار شده (فنوفن^۱، ۲۰۰۴)؛ اما فقر بیشتر دارای مفهومی عینی است تا انتزاعی، به این دلیل مقایسه شادی و نابرابری شادی در بین افراد یا ملت‌ها امری بسیار پیچیده است و مقایسه فقر امری سهل و ممکن است. البته اقتصاددانان شادی می‌اندیشند که این مسئله را با استفاده از نمونه‌های بزرگ حل نموده‌اند (کارول^۲، ۲۰۰۸) و برخی دانشمندان بر این باورند که با استفاده از عکس‌برداری از ناحیه خاص در مغز انسان می‌توان شادی انتزاعی و عینی را اندازه‌گیری نمود (فروهر، ۲۰۰۷).

همچنین مقایسه متغیرهای موثر بر شادی در بین دهک‌های بالا و پائین خط فقر نشان می‌دهد که متغیر نابرابری شادی در بین دهک‌ها تحت تاثیر خط فقر قرار دارد (های‌فورد، آیراکوا، اوسی و اسحق^۳، ۲۰۱۵). فقر دارای تقسیم‌بندی‌های متعدد است: فقر غذایی، فقر مطلق یا نسبی، فقر شهری یا روستایی، فقر دائمی یا موقتی، فقر جزیره‌ای یا فراگیر، فقر قابلیت‌ی (نداشتن حق انتخاب، آزادی و مشارکت (آمارتیا سن، ۱۹۹۹) که مفاهیمی عینی هستند و فقر آموزشی، فقر فرهنگی (معنوی)، فقر روانی، فقر ذهنی که مفاهیمی انتزاعی هستند (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹). البته اقتصاددانان شادی مفهومی جدید با عنوان فقر شادی معرفی نموده‌اند که نشان می‌دهد شادی عینی تحت تاثیر متغیرهای اقتصادی و شادی ذهنی (انتزاعی) تحت تاثیر متغیرهای غیراقتصادی است (اسمیت^۴، ۲۰۰۸).

در قرن ۱۸ جرمی بنتام (۱۷۳۲-۱۸۴۸) مدیریت اخلاقی جدیدی را پیشنهاد کرد. او اشاره کرد که شایستگی یک عمل نباید به وسیله سنجش هدف فرد قضاوت شود، بلکه باید با تأثیر آن بر میزان شادمانی او مورد داوری قرار گیرد. او شادمانی را به عنوان یک احساس درونی به صورت مجموعه‌ای از آرزوها و خوشی‌ها تعریف کرده است. این فلسفه به فلسفه لذت و رنج

¹ Veenhoven

² Carol

³ Hayford, Ayerakwa, Osei, and Isaac

⁴ Smith

مشهور است (ابونوری و اسکندری، ۱۳۹۵). این پژوهش لذت را برابر شادی و رنج را برابر فقر در نظر گرفته است و در پی ارزیابی رنج ناشی از فقر بر لذت ناشی از برابری شادی است. نابرابری شادی متغیری بسیار مهم‌تری از شادی است، همان‌طور که توزیع نابرابر درآمد بسیار مهم‌تر از خود درآمد است (فنوفن، ۲۰۰۵). ارزیابی عوامل مختلف به خصوص شاخص‌های اقتصاد کلان بر شادی در ایران به مکرر انجام شده است، اما تاثیر فقر نسبی و مطلق بر نابرابری شادی نوآوری این پژوهش است. استدلال این رابطه نیز این است که به دلیل تاثیر متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی بر شادی، این پژوهش از متغیر وابسته نابرابری شادی استفاده خواهد نمود. نابرابری شادی می‌تواند منجر به فقر شادی گردد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که گسترش فقر مطلق و نسبی موجب تشدید نابرابری شادی در ایران می‌شود. این پژوهش فرضیه وجود دو رژیم نابرابری بالا و پایین شادی را نیز ارزیابی نموده است.

برای دستیابی به هدف پژوهش، مقاله در شش بخش سازماندهی شده است. در ادامه، بعد از مقدمه، مبانی نظری اقتصاد شادی و ارتباط آن با فقر بحث شده است. سپس، در بخش سوم، پیشینه پژوهش ارائه خواهد شد. در بخش چهارم داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده توصیف شده و بخش پنجم به تصریح و برآورد مدل و تحلیل نتایج تجربی اختصاص یافته است. در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. اقتصاد شادی یا اقتصاد شادکامی

رفاه، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و رشد همزمان شاخص‌های زندگی در یک فرد، خانواده یا جامعه با شاخص‌های روان‌شناسی، بهداشت و جامعه‌شناسی معیارهای اندازه‌گیری کمی و کیفی در اقتصاد شادی یا اقتصاد شادکامی است (انیلسکی^۱، ۲۰۰۷). «اقتصاد شادکامی» حوزه نسبتاً جدیدی در اقتصاد است که در سال‌های اخیر جایگاه مهمی در معادلات سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها پیدا کرده است. اقتصاددانان در این حوزه با مفهومی به نام «رفاه ذهنی» سروکار دارند (نیلی و همکاران، ۱۳۹۴). شادی نیز همچون متغیرهای

¹ Anielski

ثروت، درآمد و سود با توجه به قیدهای موجود قابل بیشینه‌سازی و بهینه‌سازی است (کارول، ۲۰۰۸). اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک به صورت مستقیم بر نقش شادی در تابع مطلوبیت افراد جامعه توجه نکردند و عموماً از مفهوم رفاه استفاده می‌نمودند (لویجیانو و پورتا^۱، ۲۰۰۵). در مقابل، مارکس (۱۸۶۷) می‌اندیشید که وضعیت عینی و مادی زندگی، رفاه و سعادت را در پی خواهد داشت. انیلسکی (۲۰۰۷) با مقایسه میدانی کشورهای مختلف به خصوص آمریکای شمالی یک مدل اقتصادی کاربردی به عنوان ثروت واقعی برای ارزیابی تاثیر تعیین‌کننده‌های اقتصادی و غیراقتصادی شادی ارائه داد. در دهه‌های اخیر با شدت فاصله طبقاتی و دهک‌های درآمدی و مخارج که منجر به حرکت خط فقر مطلق و نسبی به سمت دهک‌های بالای درآمدی شده است، اقتصاددانان شادی بر متغیر نابرابری شادی متمرکز شده‌اند (فونف، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵؛ فونف و ایهرهاردت^۲، ۱۹۹۵؛ فونف و کالمیجن^۳، ۲۰۰۵).

۲-۲. عوامل موثر بر شادی و رضایت‌مندی

پژوهشگران متغیرهای متعدد خرد و کلان را بر شادی مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ شامل: درآمد نسبی و ثروت نسبی، توزیع نابرابر درآمد و ثروت، رشد اقتصادی، بیکاری (کلارک، فریترز، چلد و میشل^۴، ۲۰۰۸)، تورم (شاخص فلاکت) (دی‌تلا، مسکولا و اسوالد^۵، ۱۹۹۹، بختیاری و فتح‌آبادی، ۱۳۹۰)، مصرف، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی (حاکمیت قانون، حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی)، استراتژر و لالیو^۶، ۲۰۰۰)، نهادهای اجتماعی (برنو و استتوزر، ۲۰۰۲)، سلامت جسمی و روانی (دهقانی، اکبرزاده، خوش‌فر و ربانی، ۱۳۹۰)، آزادی‌های اجتماعی، عدم تبعیض نژادی، ویژگی‌های خانوادگی، ویژگی‌های فردی مانند سن، تحصیلات، جنسیت (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)، تاهل و بُعد خانوار (کشاورز، ۱۳۸۴)، تنوع مذهبی در یک کشور (اوکویچ^۷، ۲۰۱۱)، آزادی بیان، حق انتخاب (آبوت و ساپس‌فورد^۸، ۲۰۰۶)، شرایط سیاسی

^۱ Bruni, Luigino; Pier Luigi Porta

^۲ Veenhoven, R. & Ehrhardt, J.

^۳ Veenhoven, R. & Kalmijn, W.M.

^۴ Clark, Andrew E.; Frijters, Paul; Shields, Michael A.

^۵ Di Tella, MacCulloch and Oswald

^۶ Stutzer and Lalive.

^۷ Okulicz-Kozaryn, Adam.

^۸ Abbott, P. and R. Sapsford.

(فری و استاتزر، ۱۹۹۹)، حمایت‌های اجتماعی (گزارش جهانی شادی، ۲۰۱۶)، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سیکل‌های تجاری (محمدزاده، اصغرپور و منیعی، امید، ۱۳۹۲)، فراغت و آزادی در انتخاب میزان و ساعات فراغت در طول روز (اریسکون، رایس و گودین^۱، ۲۰۰۷)، سطح عقلانیت (رنانی و مویدفر، ۱۳۸۹)، درجه امنیت ملی، تفاوت سطوح عوامل درآمدی و غیردرآمدی، گرایش‌های مذهبی (میرشاه جعفری، عابدی و دریکوندی، ۱۳۸۱)، بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی (جلیلی، ۱۳۹۴)، انتظارات کارگزاران اقتصادی نسبت به آینده، شکاف جنسیتی دستمزدی و بیکاری (دی‌تلا، مسکولا و اسوالد، ۱۹۹۹)، امید به زندگی (بختیاری و فتح‌آبادی، ۱۳۹۰)، ثبات سیاسی، دین و اعتقادات متافیزیکی و در نهایت آنچه در نظر سقراط مروج شور و نشاط بشر است، فلسفه است. سولومن در کتاب شادی فلسفه می‌اندیشد که باید عیارسنجی دوباره از سقراط و مشی فلسفی وی صورت دهیم و زندگی شاد را محور و هدف فلسفه به حساب آوریم. به نظر سولومن خرد شادان که پاره‌ای از فیلسوفان مبلغ آن بوده‌اند، به هدف فلسفه نزدیک است.

۲-۳. فقر مطلق و نسبی

جامعه جهانی متعهد شده بود که تعداد افرادی که در فقر شدید به سر می‌برند را تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش دهد؛ این در حالی است که بر اساس گزارش اهداف توسعه‌ای هزاره^۲ سازمان سازمان ملل، حدود ۱/۴ میلیارد نفر از مردم جهان در سال ۲۰۰۹ درآمدی کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز داشته‌اند و از فقر شدید رنج می‌برند (گزارش سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰). طبق گزارش بانک جهانی از خط فقر وضعیت فقر در جهان دست‌خوش تحول اساسی شده و تعداد فقرا به ویژه افراد دچار فقر شدید افزایش یافته به طوری که بیش از یک چهارم جمعیت کشورهای درحال توسعه در فقر به سر می‌برند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۱). فقر مطلق ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی است (مرکز آمار آمریکا، ۲۰۰۵).

بوت و راونتری^۳ فقر مطلق را یک موضوع عینی دانسته و با حداقل معیشت مرتبط ساخته و فقر نسبی را ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی

¹ Eriksson, Lina; Mahmud Rice, James; Goodin, Robert E.

² The Milinium Development Goals (MDG).

³ Booth & Rowntree

لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف نموده‌اند (خالدی، ۱۳۸۴؛ پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸؛ خداداد، حیدری و باقری، ۱۳۸۴). در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی در یک جامعه خاص است؛ فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست، بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی در جامعه می‌باشد (گیب، ۲۰۱۲). به صورت کلی دو رویکرد عمده در برآورد خط فقر مطلق وجود دارد و بیشتر روش‌ها با اندکی تعدیل مبتنی بر این دو رویکرد است: رویکرد نیازهای اساسی (حداقل معاش) و رویکرد نسبت غذا (معکوس ضریب انگل). خط فقر نسبی بالاتر از خط فقر مطلق قرار دارد. فقر نسبی یک مفهوم قراردادی است و در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی دارد. فقر نسبی ممکن است به صورت ۵۰ درصد متوسط درآمد جامعه تعریف گردد (اتکینسون^۱، ۱۹۸۷، میدن^۲، ۱۹۹۹). در مالزی دو سوم میانگین درآمدی و در آمریکا چهار پنجم میانه درآمدی معیار فقر نسبی تلقی شده است (فاستر^۳، ۱۹۹۸). در اتحادیه اروپا ۶۰ درصد متوسط درآمد جامعه به عنوان معیار اصلی فقر نسبی مورد استفاده قرار می‌گیرد (تامسون و اسمدینگ^۴، ۲۰۱۳).

۲-۴. عوامل موثر بر فقر

بر اساس یافته‌های مطالعات مختلف عوامل موثر بر فقر را می‌توان به دو دسته کلی ۱- عوامل مختص فرد و خانواده؛ ۲- عوامل اقتصاد کلان و زیرساخت‌های اجتماعی تقسیم‌بندی نمود.

۱- عوامل مختص فرد و خانواده

جنسیت (کشاورز، ۱۳۸۶)، تاهل (کمالی، ۱۳۸۳)، ارث و ثروت خانوادگی (عرب مازار، حسینی نژاد، ۱۳۸۳)، طبقه اجتماعی، سالم بودن مادرزادی فرد، صاحب پدر و مادر بودن (فوت یا متارکه)، سطح سواد و مهارت (ضعف سیستم آموزشی و سرمایه انسانی) (کمالی، ۱۳۸۳)، نقش اشتغال زنان در کاهش فقر خانواده‌ها، بُعد خانوار (نیلوفر و گنجعلی، ۱۳۸۷) و بار تکفل (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳)، نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار (خداداد، حیدری و باقری، ۱۳۸۴).

¹ Atkinson

² Madden, D.

³ Foster, J.

⁴ Thompson and Smeeding

۲- عوامل اقتصاد کلان و زیرساخت‌های اجتماعی

بیکاری و وضع اشتغال (کمالی، ۱۳۸۳)، تورم، رشد اقتصادی (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰)، شکاف طبقاتی شامل شکاف درآمدی و ثروتی (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳)، جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی، بلایای طبیعی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی (علاالدینی و امامی، ۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی (غفاری، حق پرست، ۱۳۸۳)، بودجه دولت و سیاست‌های مالی (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳)، ضعف نقش نهادهای حمایتی (بهزیستی، کمیته امداد، بیمه)، ضعف تکنولوژی در مناطق روستایی، ضعف بخش کشاورزی (ضعف بهره‌وری) در کشورهای درحال توسعه - فقر روستایی - شاخص‌های جغرافیایی (عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳)، ساختار قدرت و نظام اجتماعی (راغفر، ۱۳۸۴)، در اقتصاد اسلامی بر پرداخت مالیات و سیستم مالیاتی (زکات و فطره) تاکید شده است. در ایران در دهه ۷۰ سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصاد منجر به افزایش فقر شهری شده است (محمودی، ۱۳۸۱). در سال‌های اخیر نیز هدفمندی یارانه‌ها از عوامل کلان اقتصادی تعیین کننده فقر شناخته شده است.

۳. پیشینه پژوهش

استفاده از مفهوم شادی در پژوهش‌های بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان در طول تاریخ مانند سقراط، ارسطو و کنفوسیوس مشاهده می‌گردد (کارول، ۲۰۰۸). در اندیشه ارسطو، دو نوع شادمانی وجود دارد، در پایین‌ترین سطح، مردم عادی شادمانی را معادل موفقیت و کامیابی می‌دانند و در سطوح بالاتر از آن، شادمانی مورد نظر ارسطو یا شادمانی ناشی از معنویت قرار می‌گیرد (آیزنک، ۱۳۷۸). افلاطون در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند؛ قوه عقل یا استدلال، احساسات، و امیال. افلاطون شادی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر تعادل و هماهنگی به وجود می‌آورد (دیکی، ۱۹۹۹). تا سال ۱۹۷۲ که پادشاه بوتان مفهوم تولید ناخالص شادی^۱ (GNH) را ابداع نماید، هیچ سیاست دولتی رسمی، هدف اصلی سیاست انتخاب عمومی را حداکثر نمودن شادی قرار نداده بود. جونز (۲۰۰۵) اقدام به محاسبه شاخص جهانی GNH نمود.

^۱ Gross National Happiness (GNH) or Gross National Well-being (GNW) Index

جدول ۱. مطالعات خارجی در ارتباط متغیرهای موثر بر شادی و نابرابری شادی

نویسنده/گان	سال	عنوان، نتایج و توضیحات مقاله
بردبرن ^۱	۱۹۶۹	ارزیابی سلامت روانی و متغیرهای موثر بر شادی در جمعیت شهرنشین آمریکا
استرلین	۱۹۷۴	معمای استرلین: آیا افزایش درآمد تمام افراد جامعه منجر به افزایش شادی می‌گردد؟
اینگلهارت ^۲	۱۹۹۰	شاخص شادی در کشور ایرلند نسبت به کشور مرفه آلمان غربی برتری نسبی دارد.
استرلین ^۳	۱۹۹۵	ارزیابی رابطه رشد اقتصادی و نابرابری شادی در اروپا و برآورد رابطه U معکوس
آرگایل ^۴	۲۰۰۱	مردم ثروت را کلید شادی بیشتر می‌دانند و رابطه ثروت و شادی مثبت برآورد شد.
فری و استاتزر ^۵	۲۰۰۲	ارزیابی رابطه متغیرهای اقتصاد کلان بر شادی در آمریکا
ون‌پراگ و کرپونل ^۶	۲۰۰۴	ارزیابی تاثیر درآمد بر شادی در آمریکا، درآمد بالاتر منجر به شادی بالاتر نمی‌شود.
آلسینا، آلبرتو، رافائل و مک کالچ ^۷	۲۰۰۴	نابرابری درآمدی در اروپا تاثیر شدیدی بر کاهش شادی نسبت به آمریکا دارد.
گلدن و توارس ^۸	۲۰۰۵	ارزیابی تاثیر متغیر درآمد و سایر متغیرهای غیر اقتصادی بر شادی در ایالات متحده
اسمیت	۲۰۰۸	تحلیل رابطه بین پول، فقر و شادی، ارایه مفهومی جدید به نام فقر شادی
کاربلی و سدزینی ^۹	۲۰۰۹	رابطه مثبت درآمد و شادی در ایتالیا. خانواده‌های با درآمد بالا شادی بالاتر دارند.
مینکو ^{۱۰}	۲۰۰۹	رتبه شادی ایران در طول دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۷ در بین ۹۷ کشور، ۵۶ بوده است

¹ Bradburn, N. M.

² Ingelhart, R.

³ Easterlin, R.A.

⁴ Argyle, M.

⁵ Frey and Stutzer.

⁶ Van Praag and Carbonell

⁷ Alesina, Alberto, Rafael Di Tella, and Robert MacCulloch.

⁸ Golden & Wiens-Tuers.

⁹ Carabelli, A. M. & M. A. Cedrini.

¹⁰ Minkov

نویسنده/گان	سال	عنوان، نتایج و توضیحات مقاله
نابه و راتزل ^۱	۲۰۰۹	ارزیابی تاثیر تورم، بیکاری و درآمد بر شادی در آلمان، تورم و بیکاری تاثیر منفی
کاپوراله، جورجلیس، تسیتسیانیس و یین ^۲	۲۰۱۰	تایید رابطه مثبت بین درآمد و ثروت و شادی در اتحادیه اروپا
راپرا و لیونگاس ^۳	۲۰۱۱	ارزیابی تاثیر سیاست های پولی بر شادی در ۱۷ کشور آمریکای لاتین
دولینگ و یپ ^۴	۲۰۱۳	ارزیابی عوامل موثر بر فقر و شادی و ارتباط این دو متغیر در آسیا، آمریکا و افریقا
کلارک، فلچ و سنیک ^۵	۲۰۱۴	نابرابری شادی در بین کشورها با افزایش رشد اقتصادی، کاهش یافته است.
هایفورد، آیراکوا، اوسی و اسحق	۲۰۱۵	ارزیابی متغیرهای موثر بر شادی در خانواده های زیر خط فقر در مناطق شهری غنا

منبع: یافته های پژوهش

مطالعات نابرابری شادی توسط چن^۶ (۱۹۸۹)، فنون (۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲) و اخیرا کامینز^۷ (۲۰۰۳) و فهی و اسمیت^۸ (۲۰۰۳) توسعه داده شده است. میرشاه جعفری، عابدی و دریکوندی (۱۳۸۱)، ظهور و فکری (۱۳۸۲)، کشاورز (۱۳۸۴) دهقانی، اکبرزاده، خوشفر و ربانی (۱۳۹۰) نشان دادند که به دلیل عادت افراد به سطح درآمد بالاتر، مقایسه درآمد با درآمد طبقات بالاتر (نابرابری درآمدی)، میل به حفظ متوسط مصرف جامعه و نیازهای معنوی، شاخص های اقتصادی تاثیر معناداری بر شاد بودن افراد ندارد. اما آیزنک (۱۳۷۸) اثبات نمود که ارتباط صریحی بین درآمد و شادی وجود ندارد. جوکار (۱۳۸۶) به تحلیل رابطه بین هدف گرایی و شادی پرداخت و از پرسشنامه تجدیدنظر شده شادی آکسفورد در نمونه ۴۹۰ نفره از دانشجویان دانشگاه های شیراز استفاده نمود و نشان داد که شادی دارای

^۱ Knabe & Rätzel.

^۲ Caporale, Georgellis, Tsitsianis, Yin.

^۳ Ruprah, Inder & Luengas, Pavel

^۴ Dowling, J., Yap, C.

^۵ Clarc, A. E., Fleche, S. and Senik, C.

^۶ Chin-Hon-Foei.

^۷ Cummins, R.A.

^۸ Fahey & Smith.

ابعاد انگیزشی است. محمدزاده و اصغرپور و منیعی (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های ترتیبی نشان دادند که درآمد کارگران تاثیر مثبت بر شادی نیروی کار دارد. اکبرزاده، دهقانی، خوش‌فر و چوبیستی (۱۳۹۲) به ارزیابی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان در شهرستان بابلسر پرداختند. فانی و آقازارتی (۱۳۹۲) به شناسایی مولفه‌های فردی و سازمانی شادی پرداختند. حجازی و تقی‌پور (۱۳۹۴) تاثیر شادی در افزایش بهره‌وری در اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد تبریز را تایید نمودند. نیلی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که کاهش تولید ناخالص داخلی، بیکاری و افزایش تورم، تاثیر قابل توجهی در تضعیف رضایت ذهنی در ایران دارد. بختیاری و فتح‌آبادی (۱۳۹۰) و ابونوری و اسکندری (۱۳۹۵) به نتایج مشابهی برای تاثیر تورم و بیکاری بر شادمانی رسیدند. راغفر و صانعی (۱۳۸۹) به اندازه‌گیری آسیب‌پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران و ارایه یک روش شناسایی خانوارهای محروم پرداختند. نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶) و داورپناه، روستا، نجفی و داورپناه (۱۳۹۵) با استفاده از شاخص معروف فاستر، گریب و توربیک (۱۹۸۴) نشان دادند که به ترتیب تقریباً ۳۳ درصد افراد دارای درآمدی کمتر از خط فقر دارند.

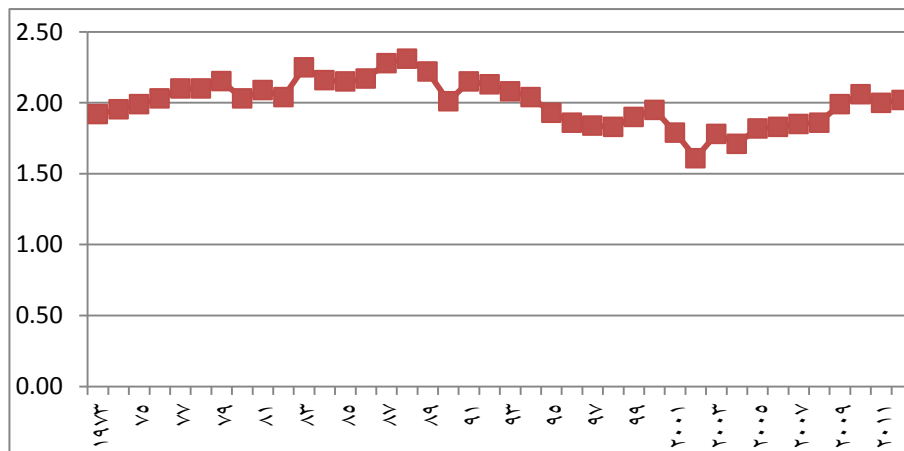
۴. داده‌ها و اطلاعات

«پرسش‌نامه جهانی ارزش» (VWS) طرحی است که از طریق پرسشنامه اقدام به کمی‌سازی میزان رضایت عمومی در کشورهای مختلف می‌کند. بر اساس نظرسنجی‌های انجام گرفته در قالب این طرح در سال ۲۰۱۰ ایران در میان ۴۶ کشور مورد ارزیابی رتبه ۲۶ را از نظر میزان «رضایت ذهنی» در اختیار داشت. «گزارش جهانی شادمانی» نیز از مراکز معتبر ارزیابی شادمانی و نابرابری شادی در سطح بین‌المللی است. ایران در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۵ با امتیازهای ۴/۶۴، ۴/۶۸ و ۴/۸۱ در میان ۱۵۷ کشور رتبه ۱۱۵، ۱۱۰ و ۱۰۵ را در کسب نمود. اطلاعات نابرابری شادی در این پژوهش از رئیس پژوهشکده «گزارش جهانی شادمانی»^۱ دکتر فنون^۲ دریافت شده است که نتیجه پرسشنامه‌های گسترده‌ای است که این پژوهشکده در ۱۱۶ کشور در طول چند دهه گذشته تکمیل نموده است. همانطور که نمودار (۱) نشان می‌دهد در چهار سال اخیر

^۱ World Database of Happiness, 'Distributional findings in nations' (Veenhoven 2004)

^۲ Ruut Veenhoven, veenhoven@ese.eur.nl, Veenhoven, R. (2005, 2004).

نابرابری شادی کاهش و شاخص شادی نیز رشد نسبی داشته است و ایران ۱۰ رتبه صعود نموده است. داده‌های گسترده‌ای در ارتباط با شادی در حال استخراج است که می‌تواند شاخص اقتصاد شادکامی را متحول سازد مانند شاخص تعدیل شده نابرابری شادی^۱ که توسط سازمان بین‌المللی شادی در جهان تکمیل شده است (فنوفن و کالمیجن، ۲۰۰۵).



نمودار ۱. نابرابری شادی در ایران در دوره (۱۹۷۳-۲۰۱۲)

منبع: databaseofhappiness.eur.nl/2015

۵. تصریح مدل، برآورد ضرایب و تفسیر نتایج

۵-۱. تصریح مدل

مبتنی بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل اقتصادسنجی به صورت زیر تصریح شده است:

$$Inh_t = \beta_0 + \beta_1 Pov_t + \alpha X_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن نابرابری شادی، Inh_t شاخص فقر است که یکبار از شاخص فقر مطلق بر حسب میزان کالری مورد نیاز بدن انسان و هزینه لازم برای تأمین این میزان کالری توسط پژوهشکده آمار ایران محاسبه شده است که این شاخص به وسیله نسبت درصد فقرا (کسانی

^۱ Inequality Adjusted Happiness' (IAH)

که در تأمین حداقل کالری مورد نیاز ناتوانند) به کل جمعیت محاسبه می‌شود و یک‌بار نیز از شاخص فقر نسبی بر اساس استاندارد بانک جهانی به صورت نسبت افرادی که درآمد روزانه کمتر از دو دلار داشته‌اند به کل افراد جامعه استفاده شده است. X_t بردار متغیرهای کنترلی موثر بر نابرابری شادی شامل تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و شاخص سرمایه انسانی است. ε_t جزء خطای مدل رگرسیونی است. β_0 عرض از مبدا مدل، β_1 ضریب نابرابری درآمدی و α نیز بردار پارامترهای کنترلی موثر بر نابرابری شادی است.

بازه زمانی پژوهش برای مدل تاثیر فقر مطلق بر نابرابری شادی به علت محدودیت داده‌های فقر مطلق بازه زمانی ۱۳۶۴-۱۳۹۱ را دربر می‌گیرد و بازه زمانی پژوهش برای مدل تاثیر فقر نسبی بر نابرابری شادی بازه زمانی ۱۳۵۸-۱۳۹۱ را شامل می‌شود. با توجه به نمودار (۱) و تغییرات روند نابرابری شادی در ایران که در برخی سال‌ها نابرابری شادی نسبتاً بالا بوده و در برخی سال‌ها نابرابری شادی به طور نسبی میزان کمتری داشته؛ از روش مارکوف سوئیچینگ به منظور ارزیابی فرضیه دو رژیم بودن نابرابری شادی در ایران استفاده می‌شود. مدل‌سازی به روش مارکوف سوئیچینگ این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که نابرابری شادی را به صورت دو رژیم که با حلقه مارکوف به هم متصل می‌شوند و هر رژیم دارای یک احتمال معین است و تبدیل رژیم نیز از قاعده احتمال مشخصی پیروی می‌کند، مدل‌سازی نماید و لذا احتمالات انتقال بین رژیم‌ها را محاسبه کند. همچنین می‌توان سال‌های ماندن در هر رژیم را نیز محاسبه نمود. تصریح مارکوف سوئیچینگ معادله (۱) را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$Inh_t^i = \beta_0^i + \beta_1 Pov_t + \alpha X_t + \varepsilon_t^i \quad (2)$$

که در آن i نشانگر رژیم است. فرض می‌شود دو رژیم وجود دارد لذا i دو عدد ۱ و ۲ را به خود می‌گیرد. در مدل‌های مارکوف سوئیچینگ، فرایند سری زمانی مورد نظر را تابعی از یک متغیر تصادفی غیرقابل مشاهده فرض می‌کنند که رژیم یا حالت نام دارد که در تاریخ t ، فرایند سری زمانی مورد نظر در آن قرار داشته است. در حالت کلی مدل مارکوف سوئیچینگ را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Inh_t | \zeta_{t-1} \sim \begin{cases} f(\theta_t^{(1)}) p_{1,t} \\ f(\theta_t^{(2)}) (1 - p_{1,t}) \end{cases} \quad (3)$$

که در آن $f(\cdot)$ نشان‌دهنده یکی از توزیع‌های شرطی ممکن است که می‌توان فرض نمود دارای توزیع نرمال، تی استیودنت یا توزیع خطای تعمیم یافته باشد. جمله $\theta_t^{(i)}$ بیانگر بردار پارامترها در رژیم i ام است که توزیع را مشخص می‌کند؛ عبارت $p_{1,t} = \Pr[s_t = 1 | \zeta_{t-1}]$ احتمال پیش‌بینی شده و ζ_{t-1} بیانگر مجموعه اطلاعات در زمان $t-1$ است (نادمی، ۱۳۹۲). بردار پارامترهای متغیر در طول زمان را می‌توان به دو جزء تجزیه کرد:

$$\theta_t^{(i)} = (\mu_t^{(i)}, v_t^{(i)}) \quad (۴)$$

که در آن $\mu_t^{(i)} \equiv E(r_t | \zeta_{t-1})$ میانگین شرطی (یا پارامتر موقعیت) و $v_t^{(i)}$ پارامتر شکل توزیع شرطی می‌باشد. (نادمی، ۱۳۹۲). به منظور برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ از روش ماکزیمم درست‌نمایی استفاده می‌شود. بنابراین، تابع لگاریتم درست‌نمایی را می‌توان به صورت معادله (۷) نوشت:

$$l = \sum_{t=1}^T \log [p_{1,t} f(\text{Inh}_t | s_t = 1) + (1 - p_{1,t}) f(\text{Inh}_t | s_t = 2)] \quad (۵)$$

به طوری که $f(\text{Inh}_t | s_t = i)$ توزیع شرطی نابرابری شادی به شرط وقوع رژیم i در زمان t است. عبارت $p_{1,t} = \Pr[s_t = 1 | \zeta_{t-1}]$ احتمال پیش‌بینی شده و ζ_{t-1} بیانگر مجموعه اطلاعات در زمان $t-1$ است (نادمی، ۱۳۹۲). تابع درست‌نمایی فوق با استفاده از روش‌های محاسبات عددی ماکزیمم می‌شود.

۲-۵. برآورد مدل و تفسیر نتایج

قبل از برآورد مدل لازم است مانایی متغیرها ارزیابی شود تا در دام رگرسیون جعلی گرفتار نشویم. به این منظور از آزمون زیوت-آندروز^۱ (۲۰۰۲) استفاده شده است که نتایج این آزمون به شرح جدول (۲) است. دلیل استفاده از این آزمون نیز آن است که این آزمون، شکست ساختاری متغیرها را در آزمون مانایی در نظر می‌گیرد و از آنجا که در اقتصاد ایران و در بازه زمانی پژوهش یعنی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۱، شکست‌های ساختاری متعددی به دلایلی از قبیل جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی و شوک‌های نفتی رخ داده است، پس برای آزمون مانایی متغیرها در اقتصاد ایران بهتر است آزمون‌هایی مورد استفاده قرار گیرند که شکست ساختاری در متغیرها را لحاظ می‌کنند.

¹ Zivot- Andrews

جدول ۲. آزمون زیوت- اندروز

نتیجه آزمون	P-Value	متغیر
مانا	۰/۰۰	شاخص فقر مطلق
مانا	۰/۰۰	شاخص فقر نسبی
مانا	۰/۰۱	نابرابری شادی
مانا	۰/۰۰	بیکاری
مانا	۰/۰۰	تورم
مانا	۰/۰۰	رشد اقتصادی
مانا	۰/۰۲	شاخص سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام متوسطه)

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی متغیرهای پژوهش در سطح معناداری ۵ درصد مانا هستند و لذا در این شرایط می‌توان از روش‌های رایج رگرسیون برای برآورد مدل استفاده نمود. در این پژوهش فرض می‌شود که متغیر نابرابری شادی از دو رژیم تبعیت می‌کند که یک رژیم با میانگین نابرابری بالا و دیگری با میانگین نابرابری پایین مشخص شده است. اما برای اطمینان حاصل نمودن از وجود دو رژیم در مدل پژوهش لازم است از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) هانسن^۱ (۱۹۹۲: ۶۳) استفاده نماییم. در این آزمون فرضیه صفر خطی بودن در مقابل فرضیه وجود دو رژیم آزمون می‌شود. در جدول (۳) نتایج این آزمون برای دو مدل پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۳. آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) هانسن

نتیجه آزمون	احتمال	آماره آزمون	مدل
رد فرضیه صفر و تایید وجود	۰/۰۰	۱۴۰/۰۶	مدل ۱: تاثیر فقر مطلق بر نابرابری شادی
دو رژیم نابرابری شادی	۰/۰۰	۳۳/۶۲	مدل ۲: تاثیر فقر نسبی بر نابرابری شادی

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱ Hansen

نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن برای هر دو مدل نشان می‌دهد فرضیه صفر خطی بودن مدل‌های پژوهش رد و وجود دو رژیم نابرابری شادی در اقتصاد ایران تایید شده است. لذا، با استفاده از این آزمون می‌توان اطمینان حاصل نمود که مدل‌های پژوهش را می‌توان با الگوی مارکوف سوئیچینگ با وجود دو رژیم نابرابری شادی برآورد نمود. دو رژیمی بودن نابرابری شادی بدین معناست که توزیع شادی در جامعه در تمام سال‌ها از یک نابرابری یکسانی برخوردار بوده و در برخی سال‌ها نابرابری شادی در جامعه به نسبت بالاتر و در برخی سال‌ها نابرابری شادی پایین‌تر بوده است. به عبارت دیگر توزیع شادی بین دهک‌های مختلف جامعه در برخی سال‌ها برابرتر بوده و در برخی سال‌ها نابرابرتر بوده است. این امر دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها افزایش یا کاهش فقر مطلق و نسبی است که می‌تواند بر توزیع شادی در جامعه نیز تاثیرگذار باشد که تمرکز این مقاله نیز بر همین موضوع است. در ادامه نتایج برآورد مدل‌های پژوهش در جداول (۴) و (۵) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل تاثیر فقر مطلق بر نابرابری شادی با روش مارکوف سوئیچینگ

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-Value
عرض از مبدا در رژیم ۱	۱/۵۱	۰/۰۰۰۴	۳۵۷۹/۶	۰/۰۰
عرض از مبدا در رژیم ۲	۱/۴۵	۰/۰۲۲	۶۴/۳	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم ۱	-۷/۶۴	۰/۲۹	-۲۵/۷۴	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم ۲	-۲/۳۰	۰/۱۲	-۱۸/۸۴	۰/۰۰
فقر مطلق	۱/۱۸	۰/۰۰۵	۲۲۲/۱۴	۰/۰۰
تورم	۰/۰۷۳	۰/۰۰۱	۴۶/۵۷	۰/۰۰
بیکاری	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰۰۹	۳۹۲/۹	۰/۰۰
رشد اقتصادی	-۰/۴۶	۰/۰۱۲	-۳۶/۰۱	۰/۰۰
سرمایه انسانی	-۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۰۰۱۶	-۱۶۳/۲۲	۰/۰۰
لگاریتم درست‌نمایی	۵۱/۶۷			

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۵. نتایج برآورد مدل تاثیر فقر نسبی بر نابرابری شادی با روش مارکوف سوئیچینگ

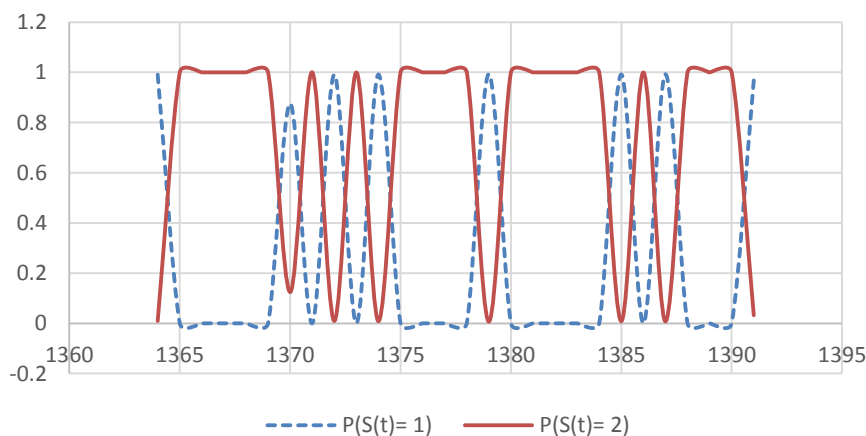
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-Value
عرض از مبدا در رژیم ۱	۲/۶۲	۰/۴	۶/۵۳	۰/۰۰
عرض از مبدا در رژیم ۲	۲/۲۹	۰/۳۷	۶/۱۳	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم ۱	-۷/۷۵	۲/۶۶	-۲/۹۰	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم ۲	-۲/۲۸	۰/۱۷	-۱۳/۲۸	۰/۰۰
فقر نسبی	۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۱۵	۲/۳۷	۰/۰۱
تورم	۰/۴۲	۰/۰۸۹	۴/۷۱	۰/۰۰
بیکاری	۰/۰۳۴	۰/۰۱۲	۲/۷۶	۰/۰۰
رشد اقتصادی	-۰/۰۹۸	۰/۳۴	-۰/۲۸	۰/۷۷
سرمایه انسانی	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	-۴/۰۵	۰/۰۰
لگاریتم درست‌نمایی			۴۶/۰۶	

منبع: محاسبات پژوهش

با توجه به معناداری ضرایب عرض از مبدا و انحراف از معیار نابرابری شادی در دو رژیم ۱ و ۲ و معناداری دو رژیمی بودن مدل‌های پژوهش توسط آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن، در نتیجه وجود دو رژیم از نابرابری شادی یکی با میانگین و انحراف معیار نابرابری بالا و دیگری با میانگین و انحراف معیار نابرابری پایین تایید شده است. لذا با دو رژیم از نابرابری شادی بالا و پایین در اقتصاد ایران مواجه هستیم و یکی از فرضیه‌های پژوهش مبنی بر وجود دو رژیم از نابرابری شادی در ایران تایید شده است. نمودارهای (۲) و (۳) احتمالات هموار شده قرار گرفتن در دو رژیم نابرابری بالای شادی (رژیم ۱) و نابرابری پایین شادی (رژیم ۲) را نشان می‌دهد. در مدل فقر مطلق طول دوره ماندن در رژیم نابرابری بالای شادی یک دوره و طول دوره ماندن در رژیم نابرابری پایین ۳ دوره می‌باشد در حالی که در مدل فقر نسبی عمدتاً در رژیم نابرابری پایین شادی قرار داریم و در بازه ۱۳۵۸-۱۳۹۱ در ۳۰ سال ابتدایی پس از سال ۱۳۵۸ و پس از انقلاب اسلامی جامعه‌ی ایران در رژیم نابرابری پایین شادی قرار داشته اما از سال ۱۳۸۸ به بعد با وقوع حوادث تلخی همچون حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و وقوع تحریم‌های شدید اقتصادی علیه کشور یک تغییر رژیم محسوس در نابرابری شادی در اقتصاد ایران رخ داده است و جامعه‌ی ایران به سمت رژیم نابرابری

بالای شادی تغییر جهت داده است که به نوعی نشان از شکاف عمیق شادی در جامعه در طی این سالها دارد. این روند در فاصله سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۱ در نمودار (۳) مشهود است، هرچند نمودار (۲) نیز در فاصله سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۰ دقیقا در رژیم نابرابری بالای شادی قرار گرفته و از این جهت دقیقا همسو با نمودار (۲) بوده است.

شاخصهای فقر مطلق و نسبی تاثیر مثبت و معنادار بر نابرابری شادی در جامعه ایران داشته‌اند. به عبارت دیگر، گسترش فقر مطلق و نسبی در جامعه ایرانی موجب افزایش نابرابری شادی و تشدید شکاف توزیع شادی در بین مردم شده است. افزایش سطح فقر مطلق از طریق انتقال بخشی از طبقه متوسط یا بالای جامعه به طبقه فقیر جامعه (طبقه‌ای که در تامین حداقل معاش خود ناتوان است) همزمان با تعمیق شکاف طبقاتی و درآمدی موجب تشدید نابرابری شادی در جامعه نیز می‌شود؛ یعنی تعداد افراد بیشتری وارد طبقه فقیر می‌شوند که عمدتا به دلیل عدم تامین حداقل معاش خود نمی‌توانند زندگی شادی داشته باشند و تعمیق فاصله شادی این طبقه با شادی طبقه متوسط و بالای جامعه موجبات تشدید شکاف توزیع شادی و در نتیجه، افزایش نابرابری شادی را فراهم می‌کند. فقر نسبی نیز به دلیل ایجاد و تقویت حس نارضایتی فرد به هنگام مقایسه خود با سایر طبقات برخوردار جامعه، موجبات تشدید نابرابری شادی در جامعه را فراهم می‌کند.



نمودار ۲. احتمالات هموار شده قرار گرفتن در دو رژیم ۱ و ۲ در مدل فقر مطلق

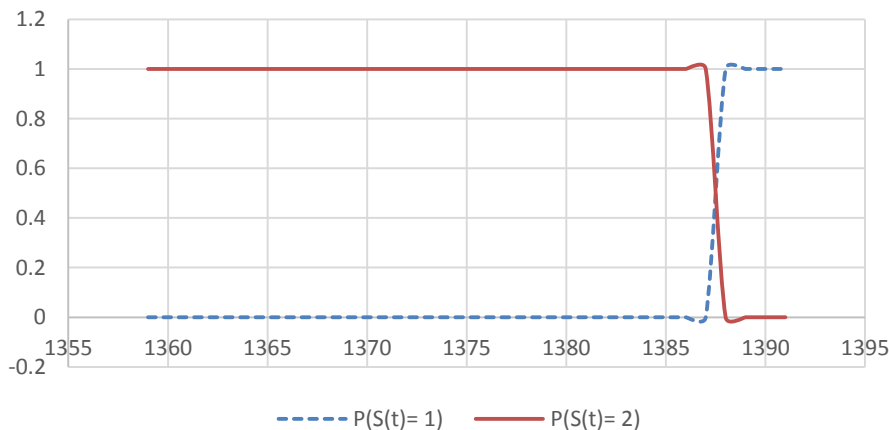
منبع: محاسبات پژوهش

تورم در هر دو مدل تاثیر مثبت و معناداری بر نابرابری شادی داشته است. به عبارت دیگر، افزایش تورم موجب تعمیق شکاف شادی در جامعه می‌شود؛ زیرا تورم موجب می‌شود که درآمد حقیقی اقشار با درآمد ثابت که عمدتاً در طبقه متوسط به پایین هستند، کاهش یابد و بنابراین قدرت خرید طبقات متوسط و ضعیف درآمدی جامعه تنزل می‌یابد؛ در عین حال، از آنجا که تورم بازده دارایی‌های ثابت محسوب می‌شود افزایش تورم می‌تواند موجب افزایش ثروت حقیقی و افزایش بازده دارایی‌های ثابت اقشار ثروتمند جامعه شود. در نتیجه، قدرت خرید اقشار ثروتمند می‌تواند در شرایط تورمی افزایش یابد یا حداقل تغییر کاهشی چندانی نداشته باشد.

این امر موجب تشدید فاصله طبقاتی و نابرابری درآمد در جامعه می‌شود و در عین حال، نابرابری شادی در جامعه را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا در حالی که تورم موجب کاهش رضایت خاطر اقشار با درآمد ثابت می‌شود و قدرت خرید آنها را محدود می‌کند (کاهش قدرت خرید همچنین می‌تواند موجب کاهش مخارج این خانوارها برای شادی خانواده همچون مسافرت، تغذیه مناسب، پوشاک مناسب و ... شود) اما همین افزایش تورم توانسته برای بخشی از اقشار ثروتمند جامعه قدرت خرید بالاتری نیز فراهم نماید و این خانوارها با این افزایش قدرت خرید و صرف آن برای شادی بیشتر خود همچون خرید کالاهای لوکس و مسافرت‌های خارجی و ... رضایت بیشتری کسب می‌کنند که نتیجه این امر افزایش نابرابری شادی در جامعه است.

افزایش بیکاری در هر دو مدل تاثیر مثبت و معناداری بر نابرابری شادی داشته است. با افزایش بیکاری و ورود افراد بیشتری به گروه بیکاران، تعداد افراد بیشتری از جامعه دچار احساس ناامیدی، عدم رضایت خاطر و سرخوردگی می‌شوند که در کنار این مسئله بار تکفل خانوارهای طبقات پایین و متوسط جامعه نیز افزایش می‌یابد و لذا قدرت خرید این طبقات برای صرف مخارج بر شادی خانواده عملاً بسیار محدود شده یا از بین می‌رود؛ لذا با کاهش رضایتمندی و شادی طبقات پایین و متوسط جامعه از بیکاری جوانان و در عین حال عدم تغییر چندان وضعیت شادی طبقات مرفه و ثروتمند، تشدید نابرابری شادی امری کاملاً محتمل خواهد بود. نکته دیگر درباره بیکاری آن است که علاوه بر تشدید نابرابری شادی به دلایل یاد شده، افزایش آن موجب کاهش سطح شادی آحاد جامعه نیز می‌شود زیرا با افزایش بیکاری،

بزهکاری نیز در جامعه افزایش یافته و لذا احساس امنیت و در نتیجه سطح شادی در اقشار ثروتمند نیز به دلیل گسترش بزهکاری در بلندمدت کاهش می‌یابد؛ لذا می‌توان گفت که بیکاری علاوه بر تشدید نابرابری شادی، سطح شادی جامعه را نیز در بلندمدت کاهش می‌دهد.



نمودار ۲. احتمالات هموار شده قرار گرفتن در دو رژیم ۱ و ۲ در مدل فقر نسبی

منبع: محاسبات پژوهش

رشد اقتصادی در هر دو مدل تاثیری منفی بر نابرابری شادی داشته است. اگر چه ضریب رشد اقتصادی در مدل فقر نسبی از نظر آماری معنادار نیست؛ اما تاثیر این عامل در کاهش نابرابری شادی در مدل فقر مطلق معنادار است. تاثیر بهبود رشد اقتصادی بر کاهش نابرابری شادی و بهبود توزیع شادی در جامعه را می‌توان این‌گونه توضیح داد که افزایش رشد اقتصادی از طریق افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود وضعیت درآمدی جامعه می‌تواند قدرت خرید طبقات پایین و متوسط را افزایش داده و در عین حال، بار تکفل این اقشار را کاهش داده و در نتیجه قدرت انتخاب بیشتری را در اختیار اقشار متوسط و ضعیف جامعه قرار دهد تا بتوانند بخشی از درآمد خود را صرف هزینه برای افزایش شادی و رضایتمندی خانوارهای خود اختصاص دهند و لذا موجب کاهش فاصله شادی بین طبقات ضعیف و متوسط با طبقات

ثروتمند جامعه شود. شاخص سرمایه انسانی یا نرخ ثبت نام متوسطه در هر دو مدل تاثیر منفی و معناداری بر نابرابری شادی داشته است.

افزایش سرمایه انسانی علاوه بر افزایش آگاهی آحاد جامعه از مهارت‌های زندگی، موجب توانمندسازی نیروی کار در بازار کار شده و شانس کسب شغل بهتر و زندگی بهتر را افزایش می‌دهد. یکی از راه‌های رهایی از چرخه شوم فقر و عدم رضایت‌مندی از زندگی، کسب تحصیلات است؛ زیرا تحصیلات علاوه بر بهبود نگرش فرد به زندگی و ایجاد لذت یادگیری و در نتیجه افزایش شادی در فرد می‌تواند موجب شود که افراد با استعداد علمی از خانوارهای فقیر یا متوسط با درخشش در تحصیلات و در نتیجه رسیدن به مناصب عالی شغلی خود و خانواده‌های فقیر خود را از چرخه شوم فقر برهانند و موجبات افزایش رضایت‌مندی و شادی را در خانوارهای خود فراهم کنند که این امر به معنای انتقال بخشی از خانوارهای ناراضی از زندگی به خانوارهای شاد و رضایت‌مند از زندگی است که در نتیجه می‌تواند نابرابری شادی در جامعه را کاهش دهد. همچنین آزمون نرمال بودن جاک- برا برای ارزیابی نرمال بودن توزیع خطاها در هر دو مدل حاکی از نرمال بودن سری خطاها داشت. برای دو مدل فقر مطلق و فقر نسبی احتمال آزمون جاک- برا به ترتیب ۰/۵۵ و ۰/۲۰ به دست آمد که حاکی از عدم رد فرضیه صفر نرمال بودن خطا در سطح معنای ۰/۰۵ می‌باشد. نهایتاً ارزیابی توابع خودهمبستگی و خودهمبستگی جزئی در هر دو مدل و ارزیابی آماره‌ی Q برای آنها نیز نشان داد که در هر دو مدل مشکل خودهمبستگی خطاها وجود نداشته است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دستیابی به توزیع مناسبی از شادی در جامعه می‌تواند هدفی مهم برای هر سیاستگذار اقتصادی-اجتماعی باشد. از این منظر لازم است عوامل موثر بر نابرابری شادی در جامعه را شناخت تا بتوان در جهت بهبود توزیع شادی در جامعه سیاست‌گذاری نمود. در این مقاله عوامل موثر بر نابرابری شادی با تاکید بر تاثیر فقر مطلق و نسبی در اقتصاد ایران مدل‌سازی شده است. پس از مرور مطالعات تجربی و ادبیات نظری این حوزه، با روش مارکوف سوئیچینگ به برآورد تاثیر فقر مطلق و نسبی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی بر نابرابری شادی در اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۳۶۴-۱۳۹۱ برای مدل اول و ۱۳۵۸-۱۳۹۱ برای مدل

دوم، پرداخته شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش نشان داده است که متغیرهای فقر مطلق، فقر نسبی، تورم و بیکاری تاثیر مثبت و معنادار و متغیرهای رشد اقتصادی و سرمایه انسانی تاثیر منفی و معنادار بر نابرابری شادی در جامعه ایران داشته‌اند. همچنین فرضیه دو رژیم بودن نابرابری شادی در اقتصاد ایران نیز با مدل مارکوف سوئیچینگ تایید شده است. بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی به منظور بهبود توزیع شادی در جامعه، سیاست‌های حمایتی قدرتمندی برای اقشار فقیر جامعه فراهم نمایند. از جمله این سیاست‌ها می‌تواند رایگان نمودن خدمات آموزشی و درمانی برای افراد زیر خط فقر و همچنین دادن بیمه بیکاری به افراد بیکار باشد. البته راهکار اساسی و زیربنایی آن است که دولت شرایط تقویت تولید بخش خصوصی و رشد اقتصادی پایدار را فراهم نماید تا بتواند فقر مطلق را در جامعه ریشه کن نماید و بدین ترتیب موجب بهبود توزیع شادی در جامعه شود. همچنین دولت می‌تواند از طریق انضباط پولی و مالی و اصلاحات نهادی در کشور موجبات کاهش بیکاری و تورم را فراهم نماید تا از این طریق بتواند به کاهش نابرابری شادی در جامعه کمک نماید.

۷. قدردانی

این مقاله استخراجی از طرح پژوهشی با کد سمات ۱۵۶۶۴-۱۶۰۴۷۹ است و با حمایت مالی دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره) انجام شده است.

منابع

- ابونوری، اسمعیل، اسکندری، جمال (۱۳۹۵). اثرات تورم و بیکاری بر شادمانی. سیاست‌های اقتصادی، ۸ (۱۵): ۳۷-۵۲.
- اکبرزاده فاطمه، دهقانی حمید، خوشفر غلامرضا، چوبیستی حیدر (۱۳۹۲). بررسی تاثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴ (۴۹): ۶۷-۸۸.
- آمارتیا سن (۱۳۷۱). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه دکتر حسین راغفر، تهران: کویر.

- آیزنک، مایکل (۱۳۸۷). همیشه شاداب باشید. (ترجمه: چلونگر زهرا). انتشارات نسل نواندیش، تهران.
- بختیاری، صادق، فتح آبادی، مهدی (۱۳۹۰). رابطه بیکاری و تورم با شادی و رفاه: مطالعه تجربی برای منتخبی از کشورهای آسیایی. معاونت پژوهش‌های اقتصادی / گروه پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی.
- پیرایی، خسرو، محمدرضا، شهسوار (۱۳۸۸). اندازه‌گیری تأثیر تغییرات قیمت کالاها و خدمات بر فقر در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۲ (۳۶): ۱۵۳-۱۸۵.
- جلیلی کامجو، سید پرویز (۱۳۹۴). تخصیص پایدار و عملی‌سازی طراحی بازار آب (مطالعه موردی حوضه آب‌ریز زاینده‌رود). رساله دکتری، دانشکده اقتصاد و امور اداری، دانشگاه اصفهان.
- حجازی، مسعود، تقی‌پور فرشی، فریبا (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیر شادی در کار بر بهره‌وری نیروی انسانی. مجله مدیریت بهره‌وری، ۹ (۳۳): ۷۷-۹۲.
- خالدی، کوهسار (۱۳۸۴). ارزیابی رابطه رشد اقتصادی بخش کشاورزی، فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.
- خداداد، فرهاد، حیدری، خلیل، باقری، فریده (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران. رفاه اجتماعی، ۵ (۱۷): ۱۳۷-۱۶۴.
- داورپناه مجتبی، روستا کوروش، نجفی سعید و داورپناه فاطمه (۱۳۹۵). بررسی ابعاد اقتصادی تله فقر و محرومیت در جوامع روستایی منطقه سیستان، سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری.
- دهقانی، حمید، اکبرزاده، فاطمه، خوش‌فر، غلامرضا، ربانی، رسول (۱۳۹۰). ارزیابی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان. راهبرد فرهنگ، ۴ (۱۲-۱۳): ۱۸۲-۱۵۹.
- راغفر، حسین، صانعی، لیلا (۱۳۸۹). اندازه‌گیری آسیب‌پذیری کودکان کشور در مقابل فقر، رفاه اجتماعی، ۳۵ (۱-۲): ۲۰-۱.
- رنانی، محسن، مویدفر، رزیتا (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد. انتشارات طرح نو، تهران.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۹). فقر در ایران. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

- ظهور، علیرضا، فکری، علیرضا (۱۳۸۲). وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران. *ارمغان دانش*، ۸ (۲ (پیاپی ۳۰)): ۶۳-۷۰
- عرب مازار، عباس، حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۱ (۱): ۶۷-۹۴.
- فانی، علی اصغر، آقازارتی، مهدی (۱۳۹۲). شناسایی مولفه‌های شادی فردی و سازمانی و سنجش وضعیت این مولفه‌ها، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۱ (۲۷): ۶۹-۸۶.
- کشاورز، امیر (۱۳۸۴). رابطه بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت، انعطاف پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی در مردم شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- محمدزاده، پرویز، اصغریور، حسین، منیعی، امید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۸ (۱): ۱۳۹-۱۵۸.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. *مجله پژوهش‌های بازرگانی*، ۶ (۲۴): ۲۷-۵۷.
- میرشاه جعفری، ابراهیم، عابدی، محمدرضا، دریکوندی، هدایت‌ا... (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. *تازه‌های علوم شناختی*، ۴ (۳ (پیاپی ۱۵)): ۵۰-۵۸.
- نادمی، یونس (۱۳۹۲). مدل‌سازی نوسانات بازدهی بازار سهام تهران با روش مارکوف سوئیچینگ گارچ. رساله دکتری اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر.
- نیلی، فرهاد، بابازاده خراسانی، بهزاد و شادکار، محمدسعید. (۱۳۹۴). بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۰ (۱): ۲۱-۴۸.
- Abbott, P., & R. Sapsford. (2006). Life satisfaction in post-soviet Russia and Ukraine. *Journal of Happiness Studies*, 7: 251-287.
- Alesina, A., Rafael D., and Robert M. (2004). Inequality and happiness: Are Europeans and Americans different? *Journal of Public Economics*: 88(9-10): 2009-2042.
- Andrew O. (1999). A non-technical introduction to the economics of happiness. <https://www.warwick.ac.uk>
- Anielski, M. (2007). *The Economics of Happiness: Building Genuine Wealth*. Canada: New Society Publishers. 288.

- Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness*. East Sussex, Great Britain, Routledge.
- Atkinson, Anthony. (1987). On the measurement of poverty. *Econometrica*, 55: 749-60.
- Bradburn, N. M. (1969). *The structure of psychological well-being*. Chicago: Aldine Publishing Company.
- Bruni, L., & Pier, P. (2005). *Economics and Happiness*. Oxford University Press.
- Caporale, M., Georgellis, Y., Tsitsianis, N., and Yin, Y. (2009). Income and happiness across Europe: Do reference values matter? *Journal of Economic Psychology*, 30(1): 42–51.
- Carabelli, A. M. & M. A. Cedrini. (2009). *The economic problem of happiness: keynes on happiness and economics*. Working Papers.
- Carol, G. (2008). *Economics happiness*. New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd Edition.
- Chin, H. S. (1989). Life satisfaction in the ec countries, 1975-1984, In: Veenhoven, R., Ed.: *Did the Crisis Really Hurt?* Universitaire Pers Rotterdam, 1989, Netherlands, 24 – 43.
- Clarc, A. E., Fleche, S. and Senik, C. (2014). *Economic growth evens-out happiness: Evidence from Six Surveys*. The German Socio-Economic Panel Study at DIW Berlin.
- Clark, A. E.; Frijters, P., Shields, M. A. (2008). Relative income, happiness, and utility: an explanation for the easterly paradox and other puzzles. *Economic Literature*. 46 (1): 95–144.
- Cummins, R.A. (2003). Normative life-satisfaction: measurement issues and a homeostatic model. *Social Indicators Research*, 64: 225 – 256.
- Di Tella, R., MacCulloch, R. and Oswald A. (1999). *Preferences over Inflation and Unemployment*. Forthcoming the American Economic Review.
- Dickey, Michael (1999). *The pursuit of happiness*. Available on: <http://www.dickey.org/happy.htm>.
- Dowling, J., Yap, C. (2013). *Happiness and poverty in developing countries*, Palgrave Macmillan Presses.
- Easterlin, R.A. (1974). Does economic growth improve the human lot? Some Empirical Evidence, in P.A.
- Eriksson, Lina; Mahmud Rice, James; Goodin, Robert E. (2007). *Temporal Aspects of Life Satisfaction (PDF)*. *Social Indicators Research*. 80 (3): 511–533.

- Fahey, T. & Smyth, E. (2003). What can subjective indicators tell us about inequalities in welfare? Evidence from 33 European societies Working paper, Dublin, Economic and Social Research Institute, 2003.
- Foroohar, R. (2007). Money v. Happiness: Nations Rethink Priorities. Newsweek.
- Foster, J.) 1998(. Absolute versus Relative Poverty. American Economic Review. 88: 335-341.
- Frey, S., & Stutzer, A. (2002). Happiness and Economics: How the Economy and Institutions Affect Human Well-Being. Princeton University Press.
- Hansen, B. E. (1992). The Likelihood Ratio Test under Nonstandard Conditions: Testing the Markov switching Model of GNP. *Journal of Applied Econometrics*, 7(1): 61-82.
- Hayford M., Ayerakwa, R. D., Osei, Isaac. A. (2015). Poverty and happiness. Working Paper.
- Inghelhart, R. (1990). Culture Shift in Advanced Industrial Society. Princeton University Press.
- Knabe, A., and Rätzl, A. (2010). Income, happiness, and the disutility of labor. *Journal of Economics Letters*, 107(1): 77–79.
- Madden, D. (1999). Relative or Absolute Poverty Lines: A New Approach Centre for economic research. Working paper series.
- Okulicz, K. A. (2011). Does Religious Diversity Make Us Unhappy?. *Mental Health, Religion & Culture*. 14 (10): 1063–1076.
- Ruprah, I. & Luengas, P. (2011). Monetary Policy and Happiness: Preferences over Inflation and Unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 4(7): 59-66.
- Smith, N. (2008). Poverty, money, and happiness, The University Dialogue. Paper 41. http://scholars.unh.edu/discovery_ud/41
- Stutzer, A. and Lalive, R. (2000). The Role of Social Norms in Job Searching and Subjective Well-Being, mimeo.
- Thompson, J.P., Smeeding, T.M. (2013). Inequality and Poverty in the United States: the Aftermath of the Great Recession Finance and Economics Discussion Series. Federal Reserve Board, Washington.
- United Nations (2010). The Milinimum Development Goals Report, New York.
- Veenhoven, R. & Ehrhardt, J. (1995). The cross-national pattern of happiness; test of predictions implied in three theories of happiness. *Social Indicators Research*. 34: 33 – 68.

- Veenhoven, R. & Kalmijn, W.M. (2005). Inequality-Adjusted Happiness in Nations *Journal of Happiness Studies*, 6: 421-455.
- Veenhoven, R. (1990). Inequality in happiness, inequality in countries compared between countries. Paper 12th World Congress of Sociology, Madrid, Spain.
- Veenhoven, R. (2000). Well-being in the welfare state: level not higher, distribution not more equitable. *Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 2000, 2: 91-125.
- Veenhoven, R. (2002). Die Rückkehr der Ungleichheit in die moderne Gesellschaft? Die Verteilung der Lebenszufriedenheit in den EU-Ländern von 1973 bis 1996 (Return of inequality in modern Society? Dispersion of life-satisfaction in EU-nations 1973 -1996).
- Veenhoven, R. (2004) World Database of Happiness: Continuous register of research on subjective enjoyment of life. Available at the website of Erasmus University Rotterdam.
- Veenhoven, R. (2005) Return of inequality in modern society? Test by dispersion of life-satisfaction across time and nations. *Journal of Happiness Studies*, 6: 457-487.
- Veenhoven, R. (2005). Inequality of happiness in Nations, Introduction to this special issue, *Journal of Happiness Studies*, 6: 351-355.
- World Bank (2011). Annual Reports, World Bank Institute, Washington D.C.
- Zivot, E., & Andrews, D. W. K. (2002). Further Evidence on the Great Crash, the Oil-Price Shock, and the Unit-Root Hypothesis. *Journal of Business & Economic Statistics*, 20(1): 25-44.